

امروز شما

فروردین
وقتی به یک چیزی گیر می دهید تقریباً همیشه تا شورش را در دنیاورید بی خیال قضایه نمی شوید، اما امروز به نفعتان است که کمی منطقی تر برخورد کرده و از چنین رفتارهایی خودداری کنید.

اردیبهشت
کمی کنار بایستید و اوضاع را در آرامش و بی آنکه درگیر تقلا کردن باشید از نظر بگذرانید. این کار قطعاً به نفع شما خواهد بود و باعث خواهد شد بتوانید ایراد کار خودتان و دلیل کاهش سرعتتان را پیدا کنید.

خرداد
انتعاش پذیری بالای شما و توانایی زیادی که در وفق دادن خود با شرایط دارید همیشه در موقعیت های آشفته زندگی به کمکتان می آید و معجزه می کند.

تیر
شما در ارتباط با موضوع خاصی آنقدر احساساتی برخورد کرده اید که تمام رفتارها و واکنش هایتان در ارتباط با آن به بی راهه کشیده شده اند. خوشبختانه امروز عقل و منطقتان دوباره سر جایش برگشته است و بالاخره کنترل احساسات خود را در دست گرفته اید.

مرداد
امروز شما به احتمال زیاد تغییر و تحولاتی را در تفکرات خود تجربه خواهید کرد. این موضوع زندگی شما را از جنبه های بسیاری تحت تأثیر قرار خواهد داد. ذهن شما بسیار فعال است.

شهریور
امروز سروکار داشتن با یک نفر که اصلاً انتظارش را نداشته اید که با او برخوردی داشته باشید شما را عصبی و نگران خواهد کرد. این شخص، خواسته و یا ناخواسته، برنامه های امروز شما را به هم می ریزد و این اصلاً برایتان خوشایند نیست.

مهر
امروز شاید بعضی ها بی آنکه از آنها نظری خواسته باشید در مورد مسائل شخصی و یا کاری شما اظهار نظر کنند. این رفتار آنها برای شما اصلاً خوشایند نیست، اما بد نیست پیش از آن که واکنشی نشان دهید کمی به حرف هایشان فکر کنید.

آبان
اکنون دیگر زمان آن فرا رسیده است که دانشی را که جمع آوری کرده بوده اید را به کار گرفته و بهترین راهی که برایتان ممکن است را انتخاب کنید.

آذر
در محل کارتان سعی کنید کمی خلاقیت به خرج دهید و ایده هایی را ارائه دهید که هیچ کس قبل از شما به آنها فکر نکرده بوده است، این کار می تواند زندگی حرفه ای شما را دگرگون کند.

دی
دیگران آنقدرها هم که نشان می دهند به فکر منافع شما نیستند، پس خودتان تا می توانید حواستان به این موضوع باشد. محدودیت هایی که ذهنتان برای شما ساخته است را با گوش کردن به صدای قلبتان از بین ببرید.

بهمن
وقتی در رابطه با چیزی تصمیمی می گیرید سر حرف خودتان بایستید و اجازه ندهید دیگران با نظرات بی اهمیت خود شما را دچار تردید کنند. البته که بد نیست به حرف هایشان گوش کنید، اما اعتماد به نفس خود را با انتقادهای منفی به راحتی از دست ندهید.

اسفند
امروز دیگران ممکن است بخواهند اعمال نفوذ کرده و در مسائلی که هیچ ارتباطی به آنها ندارد دخالت کنند. آنها چیزهایی را به زبان می آورند که هیچ کمکی به حل مشکلات شما نمی کنند و در واقع فقط می خواهند دانش و هوش خودشان را به رخ شما بکشند.

مهدی صباغی بعد از یک سال داستان عنایت امام رضا (ع) به خود را بازگو کرد: با عصا رفته حرم، با پای خودم برگشتم



... پسر به اورژانس زنگ می زند و آنها می آیند و صباغی را به بیمارستان می برند. و صباغی می گوید آنطور که برایم تعریف کردند در همان حال اورژانسی، مردمی که مرا شناختند به جای کمک، عکس می گرفتند!

حدود دو هفته در بیمارستان بستری می شود، اما سگته مغزی دست ها و پاهایش را بی حس کرده و او نمی تواند درست راه برود یا چیزی را با دستانش بگیرد. از بیمارستان مرخص می شود و از پسرش می خواهد در شب میلاد امام زمان (عج) او را به مشهد و حرم امام رضا (ع) ببرد.

می گوید: پسرم زیر بغل هایم را گرفت و مرا به پشت پنجره فولادی برد، آنجا ایستادم و به امام رضا (ع) گفتم: آقا جان یک عمر به پابوست آمدم، یک عمر تلاش کردم به مردم خدمت کنم، حالا این حقام نیست که چنین زمین گیر شوم، بعد کمی تند شدم و گفتم: حالا یا شقایق بده یا از این شهر می روم! در همین حال بودم که یکی از همکاران قدیمی ام که حالا خادم امام رضا (ع) شده مرا دید و کنار آمد و پرسید چی شده، صباغی؟ با همان حال خسته و بیمار برایش تعریف کردم. گفت: خوب می شوی؛ مقداری نیات از کیسه های کوچک بیرون آورد و دهانم گذاشت و رفت. بعد از چند دقیقه احساس کردم پاهایم داغ شد، بعد این داغی به دستانم رسید؛ احساس کردم می توانم روی پاهای خود بایستم، دستانم که مثل پاندول از دو طرف بدنم آویزان بود، قوت گرفت و دیگر شل و وارفته آویزان نبود، خودم را از آغوش پسرم رها کردم، پسرم گفت: نکن، می آفتی! گفتم: برویم، من می توانم راه بروم! بیا زود از این جا برویم و راه افتادم... اگر مردم فهمیدند که شفا یافته ام هجوم می آورند و لباس هایم را تکه تکه می کردند! با کمک پسرم به حرم آقا رفته و با پای خودم برگشتم...»

چه دل هایی که دل می دهند به صدای نقره ها و مثل کبوتر جلد می روند حرم، گروهی می روند با پای پیاده یا اتومبیل شخصی، قطار یا هواپیما، امشب و فردا جای سوزن انداختن، نخواهد بود در حرم امام رضا (ع)، بعضی ها هم نمی توانند بروند به هر دلیلی، اما دلشان آنجاست. دلی که کبوتر جلد امام هشتم (ع) است و عادت دارد به زمزمه های حرم، شاید اشارتی کافی باشد تا همه ناپسامانی ها به سامان برسند. صباغی برای زیارت به مشهد رفته، می گویم: شما که نظر کرده اید، برای ما هم دعا کنید! می گوید: خدا عاقبت بخیرتان کند! دلم پر می زند برای حرم، برای طلب عاقبت بخیری؛ راستی امام رضا (ع) چند سالی است، حاجتی دارم، خودت می دانی؛ آیا زمان آن رسیده که مداخله کنی!...

شما را نمی دانم اما نسل ما علاوه بر ننه بزرگ و بابابزرگ واقعی، پدر بزرگ و مادربزرگ رسانه ای هم داشت. یکی از پدر بزرگ هایمان هر روز ظهر به یک برنامه رادیویی که از مشهد پخش می شد، می آمد و با ما از هر دری صحبت می کرد و ما آنقدر با او صمیمی شده بودیم که واقعی فرض می کردیم و برایش نامه می نوشتیم و با او درد دل می کردیم.

مادر بزرگمان هم هر شب رأس ساعت ۹ برایمان قصه تعریف می کرد تا بخوابیم، صدایش، مثل لالایی زیبا بود و ما وقتی ترانه تیتراژ برنامه می خواند: گنجشک خوبایم... ما هم روانه دنیای خواب می شدیم. یک پدر بزرگ تلویزیونی هم داشتیم آقای حکایتی نامی بود که غروب های یک روز در هفته قصه های خوبی برایمان تعریف می کرد. بزرگ که شدم و آدم های رسانه ای را که شناختم، فهمیدم آن پدر بزرگ رادیویی که بسیار دوستش داشتم و ظهر که می شد، می نشستیم کنار رادیو و به حرف هایش گوش می دادم و در دنیای خیال برایش چهره های متفاوت طراحی کرده بودم و چند باری هم برایش نامه نوشتم، هنرمندی مشهدی است که مهدی صباغی نام دارد و آنقدر که من تصور می کردم پیر نیست و در برنامه رادیویی صدایش را پیر می کرده!

وقتی با او تماس می گیرم و می گویم که شونده دائمی برنامه اش بوده ام با لهجه شیرین مشهدی که مثل همان زمان مهربان است، می گوید: پس از بچه های خود هستی! و همین جمله کوتاه چقدر روزم را می سازد؛ پدر بزرگم مرا هنوز بچه خطاب می کند و کودک درونم چقدر خوش به حالش می شود. صباغی می گوید: گاهی بچه ها در داخل پاکت نامه، آب نبات و خوراکی هم می گذاشتند و برایم می فرستادند؛ یعنی تا این اندازه باورش کرده بودند.

تصور کن حرم چه حال و هوایی دارد، پر از

خواندنی

در دسرهای یک سلفی برای ستاره بی حاشیه



قانون مورفی دقیقاً برای جمشید هاشم پور فعال شده است؛ بازیگری که ۴۰ سال است در سینما فعالیت دارد و در دهه ۶۰ سوپرستار سینمای ایران بود که فروش فیلمها را تضمین می کرد. ستاره ای که خیلی ها به عشق دیدن بازی های او با آن سر بی مویش به سینما می رفتند تا او را در هیبت قهرمان تاراج و کانی مانگا، عقاب ها، یوزپلنگ و... ببینند.

بازیگری که آنقدر هوشمند بود که با حضور در فیلم هایی مانند مادر و پرده آخر نشان داد توانایی های منحصر به فردی دارد و نباید نام او را به عنوان بازیگر اکشن به خاطر سپرد.

هاشم پور در همه این سالها آنقدر هوشمند بوده که کمتر راضی به مصاحبه شده، در شبکه های اجتماعی اصلاً حضور ندارد و عکس های یادگاری اش فقط با مردم کوچه و بازار است که هنوز عاشقانه او را دوست دارند و کنارش می ایستند و با او عکسی به یادگاری می گیرند.

تا حالا کسی نشنیده و ندیده که این بازیگر در مجلسی یا محفلی یا مهمانی حضور داشته باشد.

سالهاست بدون هیچ حاشیه ای کار و زندگی می کند. همین آدم بی حاشیه و برعکس نقش های اکشنش، آرام تصمیم گرفته به دیدار جمشید مشایخی برود و عرض ادبی به محضر استاد کند و انگار از بد حادثه در این ملاقات در جمع بازیگرانی قرار می گیرد که همگی در شبکه های اجتماعی و دنیای واقعی حضوری پررنگ دارند، دست به مصاحبه شان خوب است و عکسی به یادگاری می گیرد که با انتقاد تند کاربران شبکه های اجتماعی و رسانه روبرو شده است که ای بابا این چه کاری است که با بازیگری پیشکسوت که بیمار است و حال و روز خوبی ندارد، عکس بگیرد و منتشر کند که ای مردم ببینید ما به ملاقات آقای مشایخی رفته ایم و بله! ما چقدر خوبیم!

قانون مورفی دقیقاً سراغ آقای ستاره رفته و بی خود و بی جهت این مرد بی حاشیه را وارد یکی از چالش برانگیزترین اتفاقات روز کرده است، اما همه آنهایی که جمشید هاشم پور را می شناسند می دانند که او از بد حادثه در قاب این عکس قرار گرفته و گرنه او کجا و این به اصطلاح قرتی بازی ها کجا!

شخص گرمزده را به حالت عادی برگردانیم

از یک پنکه برای کاهش دما استفاده کنید

پاهای بلند کنید.

کمپرس های سرد استفاده کنید.

مصدوم را به پشت بخوابانید

به مصدوم مایعات بخورانید.

انگشتر تمام الماس به مناسبت قهرمانی تیم ملی فرانسه در جام جهانی

آنتونین گریزمان ستاره تیم ملی فوتبال فرانسه که به تازگی با تیمش قهرمانی در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را جشن گرفته صاحب یک انگشتر بسیار ویژه شده است. به گزارش جام جم آنلاین به نقل از دیلی میل، این انگشتر تمام الماس است و طرح پرچم فرانسه و خروس معروفش را دارد. گریزمان با این انگشتر همیشه افتخار قهرمانی در جام جهانی را به خودش و دیگران یادآوری می کند. این انگشتر بسیار زیبا در یک گالری در لس آنجلس ساخته شده است. قیمت این انگشتر الماس فاش نشده است.